

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال شانزدهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۳۳-۵۹

مقاله پژوهشی

تحولات سن مناسب ازدواج در ایران و تعیین‌کننده‌های آن بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴

زهرا قربانی^{۱*}، فاطمه ترابی^۲

چکیده

سن ازدواج از عوامل مهم پویایی جمعیت است که بر باروری، مرگ و میر و مهاجرت اثر دارد. از این رو مقاله حاضر به مطالعه تحولات الگوی سن مناسب ازدواج دختران و پسران براساس ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی پرداخته و از داده‌های پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایرانیان در سال ۱۳۸۳ و پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ استفاده کرده است. یافته‌ها نشان از افزایش میانگین سن مناسب ازدواج دختران و پسران تقریباً به اندازه یک سال طی دو مقطع مورد مطالعه دارد، میانگین سن مناسب ازدواج دختران از ۲۰/۳ سال در ۱۳۸۳ به ۲۱/۲ سال در ۱۳۹۴ و میانگین سن مناسب ازدواج پسران از ۲۴/۸ سال در ۱۳۸۳ به ۲۵/۷ سال در ۱۳۹۴ رسیده است. سهم متغیرهای اثرگذار طی این سال‌ها تغییر کرده، اما تحصیلات همواره عاملی کلیدی و موثر در تبیین تحولات سن مناسب ازدواج دو جنس نسبت به دیگر متغیرها بوده است. وضع شغلی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در سال ۱۳۸۳ اثری نداشته، اما در سال ۱۳۹۴ متغیری اثرگذار بوده‌اند. بنابراین، با توجه اهمیت تحصیلات و اشتغال در نگرش به ازدواج در سال‌های اخیر، به منظور ایجاد تحول در تشکیل خانواده و تسهیل ازدواج نیازمند تنظیم سیاست‌های حمایتی در این دو حوزه هستیم. **واژگان کلیدی:** سن مناسب ازدواج، سطح تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، خانواده، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) z-ghorbani@araku.ac.ir

۲ دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران fatemeh_torabi@ut.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.136091.1161>

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهمترین تغییراتی که در طول سه دهه گذشته در دنیا رخ داده تحولات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده است. این تغییرات شامل تحول در شکل و سن ازدواج، نوع خانواده، وضعیت زوجین، طلاق و عوامل تاثیرگذار در آنهاست. اگرچه روند این تحولات در کشورهای غربی و توسعه‌یافته سریع‌تر و میزان تغییرات زیادتر بوده، اما در اغلب کشورهای در حال توسعه نیز مشاهده شده‌اند (لستهاق، ۲۰۱۰).

در گذشته اکثر ازدواج‌ها در سنین پایین صورت می‌گرفت و تفاوت سنی بالایی میان زوجین وجود داشت. سرعت و پیشروی ازدواج در زنان همواره بالاتر از مردان بوده است. در حال حاضر طی مراحل انتقال جمعیتی و در پی توسعه اقتصادی-اجتماعی، شاهد تغییراتی در الگوهای سنتی ازدواج هستیم. با ظهور دومین انتقال جمعیتی^۱ که از آن به عنوان انتقال در خانواده و تشکیل خانواده یاد می‌شود، الگوهای جدیدی از ازدواج نمود یافته‌اند که عبارتند از: افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، افزایش تعداد مجردین، کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته، همخانگی و افزایش طلاق که این پارامترها در حال همگرایی در جوامع مختلف می‌باشند (وندکا، ۱۹۸۷: ۱۰-۷). از طرفی توسعه اقتصادی-اجتماعی در جوامع که اغلب با عنوان نوسازی و مدرنیزاسیون شناخته شده است در ایجاد تغییرات در حوزه زناشویی و تشکیل خانواده بی‌تاثیر نبوده است. نوسازی از طریق ایجاد نیازها و تقاضاهای جدید و نمایاندن سبک‌های جدیدی از زندگی بالاخص در حیطه جوانان، آنان را با مسائل جدیدی درگیر ساخته به گونه‌ای که نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده را به اولویت‌های بعدی منتقل کرده است. برای مثال توسعه اقتصادی-اجتماعی منجر به افزایش فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی پسران شده است، بنابراین پسران جهت تهیه امکانات اقتصادی لازم برای تشکیل خانواده و کسب تخصص برای ایجاد زمینه‌ای برای کسب درآمد باید سالهای زیادی را صرف نمایند. همین امر منجر به افزایش سن ازدواج پسران و تأخیر آنان برای تقاضا و درخواست ازدواج از دختران شده است. از طرفی

امکان آموزش و برخورداری از تحصیل و اشتغال خارج از خانه و حضور بیشتر در عرصه‌های اجتماعی موجب شد تا زنان و دختران سالهایی از زندگی‌شان را برای کسب این موقعیت‌ها صرف نمایند و حاضر به از دست دادن این فرصت‌ها نباشند. این امر منجر به تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج آنان شد. از آنجایی که کشور ما به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم آن را جوانان و نوجوانان^۱ (۲۰/۴۱ درصد ۱۱ تا ۲۴ ساله) تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، مطالعه این امر اهمیت زیادی به خصوص از لحاظ سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دارد، زیرا مسائل و مشکلات و نابسامانی‌های حاصل از این تأخیر، می‌تواند پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی در سطح فردی و اجتماعی بالاخص بر نهاد خانواده در پی داشته باشد. پیامدهایی چون کاهش انگیزه تشکیل خانواده به دلیل سپری شدن دوران شاد زندگی یا کاهش قدرت انتخاب شریک زندگی مناسب توسط افراد مخصوصاً زنان که می‌تواند منجر به افزایش مجرد قطعی شود و یا منجر به ازدواج‌های ناخواسته‌ای که می‌تواند انواع آسیب‌های فردی و اجتماعی را رقم زند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). به بیان دیگر آثار تأخیر در ازدواج بیش از آنکه در فرد قابل ملاحظه باشد، در سطح کلان اجتماع قابل مشاهده است. لذا، شناخت و بررسی شاخص‌ها، ویژگی‌ها و چالش‌های ازدواج مستلزم تحقیقات کاربردی است.

میانگین سن ازدواج پسران از ۲۵/۶ سال در ۱۳۷۵ به ۲۷/۴ سال در ۱۳۹۵ و میانگین سن ازدواج دختران از ۲۲/۴ سال در ۱۳۷۵ به ۲۳ سال در ۱۳۹۵ رسیده و با این اوصاف شواهد حاکی از افزایش سن ازدواج در هر دو جنس می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و یکی از مسیرهای مطالعه تحولات زمان ازدواج بررسی نگرش افراد نسبت به سن مناسب ازدواج است که نشان می‌دهد تا چه اندازه الگوی مشاهده شده با سن ایده‌آل ازدواج افراد منطبق است. لذا با استفاده از داده‌های پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایرانیان در سال ۱۳۸۳ و داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ به دنبال این هستیم تا نشان دهیم که تحولات الگوی سن

۱ طبق تعریف و دسته‌بندی مرکز آمار ایران فاصله سنی ۱۱ تا ۱۴ سال به عنوان نوجوان و فاصله سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به عنوان جوان شناخته می‌شود.

مناسب ازدواج دو جنس طی دو مقطع به چه صورت بوده است؟ سن مناسب ازدواج در زیرگروه‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی به چه صورت است؟ و سهم تعیین‌کننده‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی طی دو مقطع مورد مطالعه چه تفاوت‌هایی یافته است؟

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در ارتباط با سن ازدواج در کشورهای مختلف صورت گرفته است. مطالعه اورتگرا^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های ازدواج بخش جمعیت سازمان ملل نشان داد که به طور متوسط نسبت به دهه ۱۹۷۰ ازدواج در جهان حدود دو سال با تاخیر صورت می‌گیرد. تاخیر در ازدواج در کشورهای توسعه‌یافته‌تر با سرعت بیشتری رخ داده و علی‌رغم پایین بودن تجرد قطعی در سطح جهان، این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.

در تحقیقاتی که در زمینه زمان‌بندی ازدواج انجام گرفته بر مفاهیمی چون وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و شهرنشینی تاکید شده است. در این بررسی‌ها تاثیر اشتغال بر تاخیر ازدواج تایید شده است (محمودپانی گیلان، ۱۳۹۲؛ زانگیر^۲ و دیگران، ۲۰۰۸). این مطالعات نشان می‌دهند که شاغل شدن بخصوص برای دختران از اصلی‌ترین دلایل تاخیر ازدواج محسوب می‌شود و اصلی‌ترین توجیه برای این رابطه بحث مستقل شدن دختران می‌باشد. سینگ و سامارا (۱۹۹۶) مشارکت در نیروی کار زنان را به عنوان یکی از سه عامل اصلی (تحصیلات رسمی و شهرنشینی دو عامل بعدی) در سن اولین ازدواج زنان موثر می‌دانند (پالامولینی^۳، ۲۰۱۱).

میرزایی و قربانی (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی بر زمان‌بندی ازدواج روی افراد در شرف ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد نشان دادند که در زنان با کنترل سایر متغیرها، متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی و در مردان متغیرهای جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال اثرگذاری معناداری بر سن ازدواج دارند.

1 Ortega
2 Zahngir
3 Pulamuleni

تقریباً تمامی مطالعات انجام گرفته در زمینه سن ازدواج، از رابطه قوی بین سطح تحصیلات افراد و سن ازدواج‌شان حکایت دارند (تورنتون^۱، ۲۰۰۶؛ فومن^۲، ۲۰۱۱؛ جی‌جی‌بوی^۳، ۱۹۹۵). مطالعات نشان داد که تحصیلات باعث تغییرات متعددی در سبک زندگی و الگوهای زندگی افراد شده و افراد دارای تحصیلات بالاتر دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به ازدواج و زمان ازدواج دارند و با افزایش تحصیلات، سن ازدواج افزایش می‌یابد (وستف^۴، ۲۰۰۳؛ باتز^۵، ماسلکو، اسچولر، ۲۰۰۷). همچنین تحصیلات موجب طولانی شدن زمان یافتن شریک جنسی مناسب و کاهش جذابیت ازدواج و تأخیر در ازدواج برای زنان خواهد شد (کانکو^۶، ۲۰۰۳). زنان جوان علاقمند به تحصیلات دانشگاهی هستند و احتمالاً ازدواج را به تأخیر می‌اندازند (کویرمینگ و هالمن^۷، ۲۰۰۳).

خلج‌آبادی فراهانی و رحیمی (۱۳۹۶) در تعیین‌کننده‌های سن اولین ازدواج در ده کشور منتخب آسیا و اقیانوسیه، عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج در سطح خرد را وضعیت اقتصادی-اجتماعی فرد، مذهب و توانمندسازی زنان به علت تحصیلات و اشتغال معرفی کرده‌اند.

یافته‌های مطالعه حسینی صادقی و رضایی (۱۳۹۸) تحت عنوان عوامل موثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران نشان می‌دهد که نسبت تجرد مردان، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. بنابراین کاهش نابرابری توسعه‌ای و بهبود وضعیت اشتغال مردان می‌تواند در کاهش تأخیر ازدواج دختران موثر باشد. انتظاری، غیاثوند و عباسی (۱۳۹۶) در شهر تهران نشان دادند که با بالا رفتن میزان تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی پسران، سن ازدواج افزایش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی اجتماعی بیشترین تأثیر را بر سن ازدواج دارد. رابطه طبقه و وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سن ازدواج نیز توسط تحقیقات تایید شده است (محمودیانی‌گیلان، ۱۳۹۲؛ همیلتون و سیون^۸، ۲۰۰۷).

1 Thornton
2 Foreman
3 Jejeebhoy
4 Westoff
5 Bates
6 Kaneko
7 Quisumbing and Hallman
8 Hamilton and Siow

مطالعه هیوئیت و باکستر^۱ (۲۰۰۹) در استرالیا نشان داد که اشتغال تمام وقت فقط در مردان با احتمال بیشتر سن ازدواج آنان همراه است، در حالی که این عامل با سن ازدواج زنان رابطه ای ندارد. بر عکس در زنان، دانشجوی تمام وقت بودن با احتمال کمتر ازدواج و تاخیر در ازدواج همراه است که به عنوان تعیین کننده سن ازدواج مردان نشان داده نشده است. در ایران دسترسی به همسر (مرد) مناسب از نظر اقتصادی و سن یکی از عوامل مهم مرتبط با سن ازدواج زنان است. به طوری که دختران و پسرانی که همسر مناسب خود را نمی یابند در ازدواج تاخیر دارند (ترابی و بشیری، ۲۰۱۰). محمودیان، ترابی و محمودیانی (۱۳۹۲) در کرمانشاه نشان دادند که در مردان وضعیت اشتغال رابطه معناداری با سن ازدواج دارد. درآمد و شغل از تعیین کننده های مهم سن ازدواج به شمار می روند که در برخی جوامع اثرگذاری آنها بر زمان ازدواج قوی تر است (هارد^۲، ۲۰۱۱). در ژاپن ازدواج برای زنان شاغل با درآمد بالا جذابیت کمتری داشته و سن ازدواج آنها بالاتر است (ردرفورد^۳، اوگاوا و ماتسکورا، ۲۰۰۱). در ایران نیز تجربه اشتغال قبل از ازدواج با تاخیر در ازدواج زنان همراه بوده است (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶).

براساس نتایج مطالعه شیلا و آدینارایانا^۴ (۲۰۰۳) مذهب، قومیت و طبقه اجتماعی افراد از متغیرهای مهم و تاثیرگذار حوزه فردی است. در مالزی سن ازدواج گروه های قومی مختلف، متفاوت بوده و مسلمانان در مقایسه با پیروان سایر ادیان زودتر ازدواج می کنند. در هند کسانی که هندو، مسیحی یا مسلمانند نسبت به کسانی که مذهب ندارند زودتر ازدواج می کنند. همچنین مذهب مهمترین تعیین کننده سن ازدواج در مسیحیان و هندوها است (آدینارایانا و راجسری^۵، ۱۹۹۵). در واقع شانس ازدواج در زنان و مردانی که به مذهب پایبندی بیشتری دارند، بالاتر است.

1 Hewitt and Baxter

2 Heard

3 Retherford

4 Sheela and Audinarayana

5 Rajasree

در جمع‌بندی تحقیقات تجربی باید اذعان کرد که دگرگونی‌هایی که در نهاد خانواده و ازدواج به وقوع می‌پیوندند را نمی‌توان جدا از تغییرات بزرگتری که در عصر مدرن رخ می‌دهد درک کرد. در عصر مدرن مفاهیم و روابطی شکل می‌گیرد که مسلماً بر زندگی و ازدواج موثرند و نیازمند بررسی و تبیین تاثیر آنها در بستر و شرایط اجتماع خویش هستیم. جوامع کنونی شاهد تغییر و تحولاتی در عرصه ارزش‌ها و نگرش‌های افراد است که با مطالعه این دگرگونی‌های نگرشی می‌توان تا حدودی در مورد آینده جوامع برنامه‌ریزی کرد.

مبانی نظری

تشکیل خانواده بر مبنای ابزارهای وفاق عمومی مانند عرف، قانون و شرع برای فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم است. به همین دلیل هر فردی با توجه به ویژگی‌های خود، هر خانواده‌ای با توجه به زمینه‌ها و موقعیت خود و هر جامعه‌ای با توجه به مجموعه شرایط زمانی و مکانی، ایده‌آل‌ها، هنجارها و الگوهای را برای آغاز زندگی مشترک تعیین و اعمال می‌کند. از این رو تبیین و توضیح الگوی سنی ازدواج و تغییرات آن در جامعه نیازمند نظریه‌ای است که این الگو را با فرد، خانواده و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیوند دهد (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

برای تبیین زمان و آغاز فرایند ازدواج و تشکیل خانواده رهیافت‌های نظری مختلفی مطرح شده‌اند. در تحلیل تحولات خانواده چون افزایش سن ازدواج، افزایش ازدواج‌های شخصی و آزادانه، آن دسته از دیدگاه‌های نظری که بر تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه به عنوان یکی از عوامل تغییرات خانواده تاکید نموده‌اند، تحت عنوان تئوری‌های ساختاری شناخته می‌شوند. از میان عمده‌ترین عوامل مورد تاکید در این دسته از تبیین‌ها، تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، رشد آگاهی‌ها و تحصیلات، گسترش رسانه‌های گروهی، افزایش تحرک‌های جغرافیایی، توسعه ارتباطات، بهبود وضعیت بهداشت و افزایش سطح سلامتی قابل ذکر است (جایاکودی^۱، تورنتون و آکسین، ۲۰۰۷: ۴).

یکی از رویکردهای ساختاری تئوری انتقال جمعیتی است، مدرنیزاسیون منجر به نوسازی سبک زندگی و تفکر افراد و موجب رشد تمایلات آینده‌نگرانه و مطالبه زندگی مرفه‌تر شده و موجب کاهش توجه افراد به خانواده می‌شود. نوگرایی با ارائه و ترویج سبک زندگی و نظام معنایی خاص بر طیف گسترده‌ای از پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر گذاشته است. جمعیت نیز از جمله پدیده‌هایی است که از فرایند نوسازی تأثیر پذیرفته است. زندگی متنوع و پیچیده نوین موجب تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، ترجیحات و رفتارهای افراد شده است و حس رفاه‌جویی و داشتن زندگی بهتر را در آنها تقویت کرده است. از این رو مدرنیزاسیون و نوسازی تغییر جهت روان‌شناختی از تقدیرگرایی به احساس خودکنترلی امور، از جمله کنترل در امور مرتبط با خانواده را موجب شده است (لوکاس و میر^۱، ۱۳۸۱، ص ۳۷). تغییرات ذهنی ناشی از گذار جمعیت‌شناختی اول به تدریج باعث تغییراتی در زندگی خانوادگی و زناشویی شد. این تغییرات در چارچوب نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم به عنوان یک چارچوب مفهومی، تغییرات مهم در روابط خانوادگی و زناشویی را مدنظر قرار می‌دهد (سولسون^۲، ۱۹۹۷: ۱۷۵). این تغییرات شامل کاهش میزان ازدواج، افزایش سن در اولین ازدواج، افزایش همخانگی‌های قبل و بعد از ازدواج، افزایش طلاق و زودرسی آن، کاهش ازدواج مجدد بعد از طلاق و بیوگی است (لستهاق^۳، ۲۰۱۰: ۴-۱). براساس تئوری گذار دوم جمعیتی در سراسر جهان نقش ازدواج به عنوان سازمان‌دهنده بنیادی زندگی خانوادگی کاهش چشمگیری می‌یابد. با گسترش تدریجی مدرنیته و تأکید بیشتر بر تحصیلات و به ویژه تحصیلات زنان، سن ازدواج نیز افزایش می‌یابد (سرای و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶).

رویکرد تبیینی دیگر نظریه اجتناب از خطر است که به مخاطراتی توجه دارد که منجر به پیش‌بینی هزینه‌ها و مزایای آینده می‌شود و فرض می‌کند که آینده فردی، اجتماعی و اقتصادی نامشخص است و تصمیم‌گیرندگان ممکن است طوری عمل کنند تا مخاطرات را دفع کنند. در

1 Lucas and Meyer

2 Solsonna

3 Lesthaeghe

واقع نظریه اجتناب از خطر، توجه به مخاطرات را بر فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند (فیوری^۱ و دیگران، ۲۰۱۳؛ سوبوتکا، اسکیربک و فیلیپو^۲، ۲۰۱۰). چرا که نمی‌توان با قطعیت تشخیص داد که چه هزینه‌ها و منافع پیش رو خواهد بود، لذا افراد به نحوی تصمیم می‌گیرند که جریان آینده زندگی خود را تغییر دهند و از این رو تصمیمات آنها در حوزه خانواده بستگی به جهت‌گیری‌های آنها خواهد داشت (مک‌دونالد^۳، ۱۹۹۶: ۳۸۹). این نظریه فرض می‌کند که افراد در وضعیت نامنی اقتصادی (درآمد کم، نامنی شغلی، هزینه‌های بالای زندگی) به سرمایه‌گذاری برای افزایش امنیت اقتصادی (تحصیلات، مشارکت اقتصادی در بازار کار، ساعات طولانی کار و پس‌انداز) می‌پردازند (بک، ۱۹۹۹؛ فیوری و دیگران، ۲۰۱۳) تا از مخاطرات پذیرش مسئولیت‌های بلندمدتی مانند ازدواج و فرزندآوری اجتناب کرده یا آن را به تأخیر بیندازند. در واقع به دلیل عدم اطمینانی که نامنی‌های اقتصادی و شغلی با خود به همراه دارند، تأخیر و یا حتی چشم‌پوشی از ازدواج صورت می‌گیرد (برناردی، کلارنر و وندرلیپ^۴، ۲۰۰۸).

در جمع‌بندی باید گفت که هریک از نظریات از دیدگاهی ویژه به موضوع تشکیل خانواده و دگرگونی‌های آن پرداخته و آن را تحلیل کرده‌اند. رویکردهای نظری و روش‌شناختی گوناگون، همه بر این نکته تأکید می‌ورزند که خانواده در دنیای مدرن تحت تأثیر فرایندهای نوسازی و تغییرات اجتماعی جدید، از نظر ساختاری و کارکردی دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه کرده است. برای این منظور نظریات مختلف به بررسی رفتار و نگرش‌های موثر بر تشکیل خانواده و ازدواج پرداختند و تئوری‌های اقتصادی و تئوری‌های ایده‌ای در مدل‌بندی رفتارهای بشری مطرح شدند؛ در حالی چشم‌اندازهای متفاوتی را در تبیین رفتارهای جمعیتی دنبال می‌کنند. تفاوت اساسی بین مدل‌های رفتاری در تئوری‌های اقتصادی و تئوری‌های ایده‌ای به مفهوم عقلانیت برمی‌گردد. زمانی که عوامل اقتصادی نقش موثری را در تعیین رفتار ازدواج و باروری داشته باشند، شیوه رفتار توسط عقلانیت ابزاری تعیین می‌شود. بر عکس در عوامل

1 Fiori

2 Sobotka, Skirbekk and Philipov

3 Mcdonald

4 Bernardi, Klarner and von der Lippe

ایده‌ای و نگرشی تعیین‌کننده تشکیل خانواده و فرزندآوری، رفتارهای جمعیتی توسط عقلانیت ارزشی تعیین می‌شوند. اما تعیین اینکه کدام یک از این دو ایده عقلانیتی نقش تعیین‌کننده‌ای را در تعیین رفتارهای ازدواج و فرزندآوری در جوامع توسعه‌یافته دارند مشکل است (فوکودا، ۲۰۱۶: ۲۷).

در این پژوهش از رویکردهای ساختاری مرتبط چون تئوری انتقال جمعیتی و تئوری اجتناب از مخاطرات استفاده گردید. تئوری انتقال جمعیتی، نقش عوامل نوسازی مانند تحصیلات و موقعیت شغلی را در توضیح سن ازدواج مورد تاکید قرار داده و تئوری اجتناب از خطر بر نقش عواملی چون تحصیلات، وضعیت شغلی و کسب موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی برای رسیدن به امنیت اقتصادی برای گذار از مخاطرات پذیرش مسئولیت‌هایی چون ازدواج تأید دارند. لذا برای پاسخ به فرضیات زیر از این دو رویکرد نظری استفاده گردید. فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

- نگرش به سن مناسب ازدواج دختران و پسران در میان دو جنس تفاوت وجود دارد.
- بین متاهلین و مجردین در نگرش به سن ازدواج دو جنس تفاوت دیده می‌شود.
- سطح تحصیلات با نگرش به سن مناسب ازدواج دو جنس رابطه دارد.
- نگرش به سن مناسب ازدواج دو جنس براساس موقعیت اقتصادی-اجتماعی تفاوت می‌پذیرد.
- نگرش به سن مناسب ازدواج دو جنس برحسب وضعیت شغلی تفاوت می‌پذیرد.

داده‌ها و روش تحقیق

تحقیق حاضر پژوهشی توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل ثانویه با داده‌های پیمایش است. از نظر زمانی، از نوع مطالعات مقطعی بوده و دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق از جهت ماهیت داده‌ها و با توجه به دامنه و قلمرو موضوع و اهداف، جزء تحقیقات کمی است و با هدف تعمیم‌پذیری صورت گرفته است.

جامعه آماری تحقیق افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در استان‌های

کشور در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ است. واحد تحلیل فرد است. جامعه آماری پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایرانیان در سال ۱۳۸۳، افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۳۰ استان کشور در زمان اجرای طرح است. حجم نمونه در کل کشور برابر با ۸۶۰۸ نفر است. همه مناطق شهری و روستایی کشور به چهار زیر گروه تقسیم شده‌اند: زیرگروه اول مجموعه شهرهای مراکز استان در ۳۰ استان کشور، زیرگروه دوم مجموعه نقاط روستایی شهرستان‌های شامل مراکز استان که ۳۰ شهرستان را در برمی‌گیرد. زیرگروه سوم مجموعه سایر شهرهای کشور و زیرگروه چهارم مجموعه نقاط روستایی سایر شهرستان‌های کشور که برای دو زیرگروه آخر ۳۰ خوشه شهر و ۳۰ خوشه شهرستان به عنوان نمونه انتخاب شده است. سپس حجم نمونه متناسب با جمعیت به شهرها و روستاها تخصیص یافته و بلوک‌ها انتخاب و به صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک با خانوارها مصاحبه شده است.

جامعه آماری پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴، مجموع افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۳۱ استان کشور در زمان اجرای طرح است. حجم نمونه در کل کشور برابر با ۱۴۹۰۶ نفر است. از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای در هر استان استفاده شده است. به دلیل این که پراکندگی صفت‌های مطالعه شده در هر استان، زیاد است و توجه به این موضوع که مرکز هر استان را نمی‌توان معرف کل آن استان دانست، در هر استان، علاوه بر مرکز استان، یک شهر غیرمرکز استان و نیز برای هر شهر منتخب، حداقل دو روستای تابعه آن شهر در نمونه قرار گرفته است. پس از به دست آمدن حجم نمونه در هر استان، این تعداد متناسب با جمعیت، به شهرها و روستاها تخصیص داده شده است. چارچوب نمونه‌گیری طرح را بانک‌های اطلاعاتی مشخصات خانوارهای ساکن در بلوک‌های شهری و روستایی به همراه نقشه‌های آن بلوک‌ها تشکیل می‌دهد. پس از مشخص شدن بلوک‌های نمونه، با ۱۰ خانوار ساکن در بلوک مورد نظر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، مصاحبه شده است.

متغیر وابسته سن مناسب ازدواج دختران و پسران می‌باشد که متغیری کمی و فاصله‌ای است. و با دو سوال " به نظر شما سن مناسب ازدواج برای دختران چند سال است؟ و سن

مناسب ازدواج برای پسران چند سال است؟" پرسیده شده است. متغیرهای مستقل تحقیق مجموعه‌ای از متغیرهای جمعیتی (سن، جنس و وضع تأهل) و متغیرهای اقتصادی-اجتماعی (سطح تحصیلات، وضع شغلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مذهب) می‌باشد. متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی براساس تعریف بروس کوئن از سه متغیر خرج ماهانه زندگی، نوع مسکن و طبقه اجتماعی ساخته شد. برای این کار در ابتدا خرج ماهانه زندگی خانوار بر تعداد بعد خانوار تقسیم و تبدیل به میزان دقیق‌تری یعنی سرانه خرج ماهانه خانوار شد. سپس سطح سنجش هر سه متغیر و جهت نمرات آنها هماهنگ و در نهایت جمع شدند و شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی ساخته شد (کوئن، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

برای تحلیل داده‌ها در قسمت توصیفی از جداول تک‌بعدی و چندبعدی و شاخص‌های پراکندگی و مرکزی به تناسب مقیاس متغیرها استفاده شده است. در قسمت تحلیلی از تحلیل‌های دو متغیره برای آزمون روابط و از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره برای نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بهره‌مند شدیم.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی نمونه مورد بررسی معرفی شده و سپس با استفاده از تحلیل‌های دو متغیره روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و تاثیر متغیرهای مستقل بر سن مناسب ازدواج دختران و پسران با تحلیل چندمتغیره بررسی می‌شود.

۱- ویژگی‌های جمعیتی نمونه

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد؛ در سال ۱۳۸۳ تقریباً ۵۰ درصد از افراد در گروه سنی جوانان قرار دارند که نشان از ساختار سنی جوان کشور در این سال‌ها دارد. در سال ۱۳۹۴ از جوانی جمعیت کاسته و بر میانسالان و سالمندان کشور افزوده شده، به گونه‌ای که افراد بالای ۵۰ سال از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به تقریباً ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده و افزایش ۱۰ درصدی داشته‌اند. نسبت جنسی در هر دو مقطع مطالعه در کشور تقریباً ثابت بوده و توزیع جنسی تفاوتی

را طی این سال‌ها نشان نمی‌دهد. وضعیت تأهل طی سال‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که مجردین در سال ۱۳۸۳ در حدود ۳۴ درصد و در سال ۱۳۹۴ تقریباً ۲۷ درصد است و توزیع متأهلین از ۶۳ درصد به حدود ۶۹ درصد رسیده است. دلیل این تغییر وضعیت را می‌توان به انبوه متولدین دهه ۶۰ نسبت داد که در سال ۱۳۸۳ اغلب در آستانه ازدواج هستند و طی این سال‌ها ازدواج کرده و بر تعداد متأهلین سال ۱۳۹۴ افزوده‌اند. توزیع جمعیت در میان شیعه و اهل سنت طی این سال‌ها ثابت بوده است. با توجه به مذهب رسمی کشور که شیعه می‌باشد، در حدود ۹۰ درصد جمعیت نمونه را شیعیان و نزدیک به ۹ درصد را اهل سنت تشکیل می‌دهند و بقیه مربوط به اقلیت‌های مذهبی است.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در سال‌های

۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

متغیر	طبقات	سال ۱۳۸۳ (درصد)	سال ۱۳۹۴ (درصد)
سن	۱۵ تا ۲۹ سال	۴۹/۵	۳۴/۶
	۳۰ تا ۴۹ سال	۳۶/۵	۴۱/۶
	بالای ۵۰ سال	۱۴/۰	۲۳/۸
جنس	زن	۵۰/۱	۵۰/۸
	مرد	۴۹/۹	۴۹/۲
وضع تأهل	مجرد	۳۳/۹	۲۶/۹
	متاهل	۶۶/۱	۷۳/۱
مذهب	شیعه	۹۰/۳	۹۰/۱
	اهل سنت	۹/۶	۹/۳
وضع تحصیلی	بی سواد	۱۵/۹	۸/۰
	ابتدایی	۲۱/۵	۱۸/۳
	متوسطه	۲۷/۶	۲۰/۵
	دیپلم	۲۳/۵	۲۵/۷
	عالی	۱۱/۵	۲۷/۵

ادامه جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در

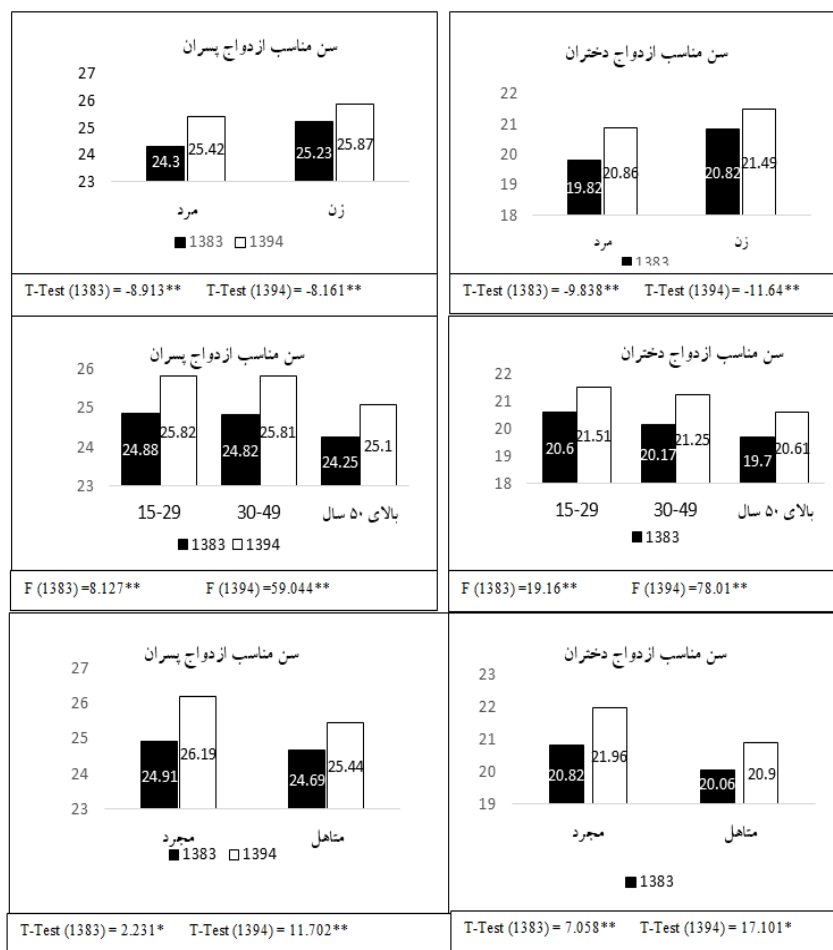
سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

سال ۱۳۹۴	سال ۱۳۸۳	طبقات	متغیر
(درصد)	(درصد)		
۳۴/۷	۳۵/۰	شاغل	وضع شغلی
۶۵/۳	۶۵/۰	غیر شاغل	
۲۵/۷	۲۶/۱	پایین	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۶۹/۸	۶۶/۹	متوسط	
۴/۵	۷/۰	بالا	
۱۰۰	۱۰۰		کل

طی این سال‌ها وضعیت تحصیلی در کشور بهبود یافته، به گونه‌ای که از میزان بی‌سوادان در کشور کاسته و تقریباً به نصف رسیده است. تحصیلات مقطع ابتدایی و متوسطه نیز بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ کاهش یافته که می‌تواند به دلیل تحولات باروری و در پی آن کاهش جمعیت در این مقاطع تحصیلی باشد. تمایل افراد به ادامه تحصیل در سطوح عالی افزایش یافته و تقریباً ۲/۵ برابر شده است. وضعیت فعالیت افراد طی این سال‌ها تغییر چندانی نداشته است، یعنی طی دو پیمایش بازارکار دستخوش تغییر و تحولات جدی و اساسی نبوده است. با توجه به اینکه ساختار سنی جوان و در سن فعالیت کشور این سال‌ها در اوج خود قرار دارد. پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد نیز طی این سال‌ها تغییر چندانی نداشته است که نشان از رکود و عدم پیشرفت اقتصادی بین سال‌های تحقیق دارد.

۲- وضعیت اقتصادی-اجتماعی، جمعیتی و میانگین سن مناسب ازدواج

سن مناسب ازدواج دختران و پسران در میان جمعیت‌ها و زیرگروه‌های جمعیتی با توجه به نوع بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. یافته‌ها در نمودار ۱ نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج دو جنس بین دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ روندی افزایشی داشته است.



نمودار ۱: میانگین سن مناسب ازدواج دو جنس بر حسب ویژگی‌های جمعیتی در سال‌های

۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

نگرش پاسخگویان مرد به سن ازدواج پسران طی این سال‌ها به اندازه یکسال افزایش یافته، اما نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج پسران طی این سال‌ها تفاوت چندانی نداشته است. در مورد سن مناسب ازدواج دختران، نگرش مردان افزایشی به اندازه یک سال از ۱۹ به ۲۰ سال را نشان

می‌دهد، در حالی که در میان زنان پاسخگو این افزایش یک ساله از ۲۰ به ۲۱ سال بوده است. نگرش مردان به سن ازدواج دو جنس در هر دو مقطع یکسال کمتر از زنان پاسخگو بوده است.

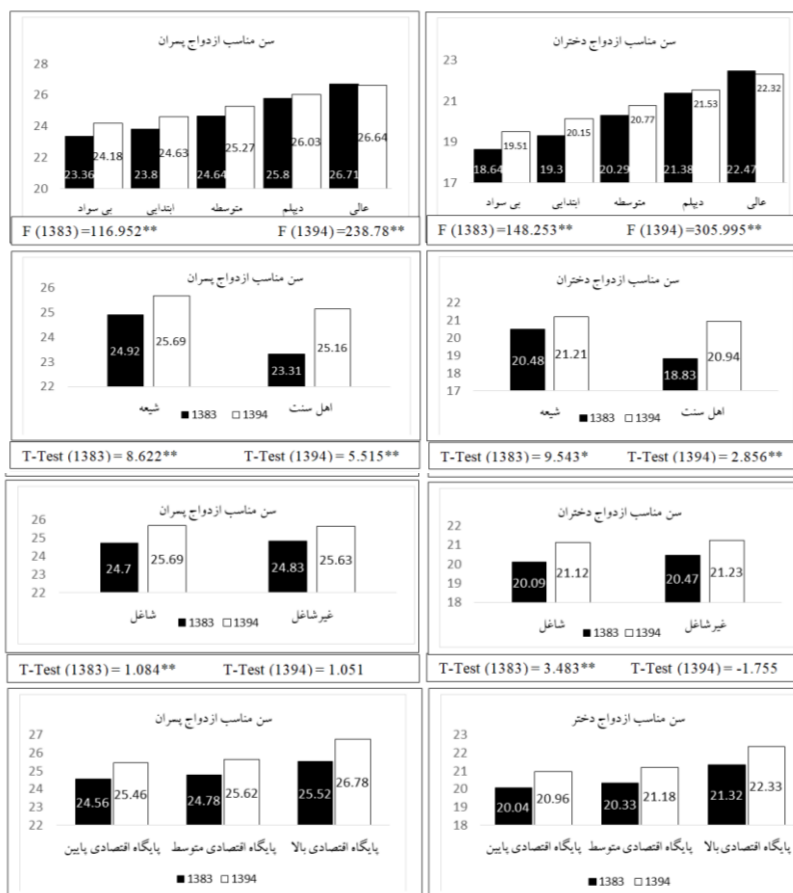
با افزایش سن در هر دو مقطع مورد مطالعه شاهد کاهش سن مناسب ازدواج با شیئی ملایم هستیم. تفاوت میانگین سن مناسب ازدواج دو جنس طی این سالها در میان تمامی گروه‌های سنی نشان از افزایشی یکساله دارد. تفاوت در سن مناسب ازدواج در میان مجردین بیشتر از متأهلین بوده است، به گونه‌ای که سن مناسب ازدواج پسران از نظر مجردین طی این سالها از ۲۴ به ۲۶ سال رسیده و در میان متأهلین از ۲۴ به ۲۵ سال رسیده است. سن مناسب ازدواج دختران بین دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ در میان مجردین افزایش یک ساله داشته، اما در میان متأهلین تفاوتی در طول این سالها دیده نمی‌شود.

تفاوت میانگین سن ازدواج دو جنس در دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ براساس ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در نمودار ۲ نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلی پاسخگویان در هر دو مقطع مورد مطالعه، سن مناسب ازدواج دو جنس روندی افزایشی داشته است. بیشترین تغییرات نگرشی نسبت به سن ازدواج طی این سالها متعلق به پاسخگویان بی‌سواد و ابتدایی بوده است که طی این دوره افزایش یک ساله را در متوسط سن ازدواج نشان می‌دهند. سطوح تحصیلی متوسطه، دیپلم و عالی در هر دو جنس تغییرات اندکی در نگرش نسبت به سن ازدواج نشان می‌دهند. کاهش ناچیزی در نگرش به سن ازدواج دختران و پسران طی این سالها در سطح تحصیلات عالی شاهد هستیم.

تغییرات میانگین سن ازدواج براساس وضع شغلی طی دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ روندی افزایشی داشته است و برای هر دو جنس طی این سالها به اندازه یک سال بالا رفته است.

در بررسی روابط دومتغیره، یافته‌ها نشان از تفاوت معنادار میان تمامی متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی با سن مناسب ازدواج دو جنس به جز متغیر وضعیت شغلی در سال ۱۳۹۴ دارد. در سال ۱۳۸۳ نگرش به سن مناسب ازدواج دختران و پسران میان شاغلین و غیرشاغلین

تفاوت معناداری داشته، اما در سال ۱۳۹۴ بین شاغلین و غیرشاغلین در نگرش به سن مناسب ازدواج دو جنس تفاوتی وجود ندارد.



نمودار ۲: میانگین سن مناسب ازدواج دو جنس به تفکیک ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در

سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

میانگین سن مناسب ازدواج دختران و پسران با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان روندی افزایشی را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ نگرش افرادی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین و بالا نسبت به سن ازدواج پسران تفاوتی یک ساله

داشته، اما نگرش به سن مناسب ازدواج دختران در سال ۱۳۸۳ بین پاسخگویان با پایگاه بالا و پایین تفاوت یکساله و در سال ۱۳۹۴ تفاوت تقریباً ۲ سال را نشان می‌دهد. نگرش به سن مناسب ازدواج در افراد شیعه همواره بالاتر از اهل سنت بوده است. نگرش به سن مناسب ازدواج پسران طی دو مقطع برای شیعه افزایش تقریباً یک ساله داشته، اما برای اهل سنت تقریباً به اندازه ۲ سال افزایش را نشان می‌دهد. سن مناسب ازدواج دختران در میان شیعه تغییرات اندکی داشته، اما در میان اهل سنت طی این سال‌ها از تقریباً ۱۹ سال به نزدیک ۲۱ سال رسیده است.

۳- نتایج تحلیل چندمتغیره

جدول ۲ به تاثیر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در مدل (۱) و تاثیر همزمان ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی در مدل (۲) بر سن مناسب ازدواج دختران اشاره دارد. یافته‌ها در مدل (۱) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ بر خلاف سال ۱۳۹۴ متغیر مذهب اثر معناداری دارد، به گونه‌ای که در پاسخگویان شیعه سن مناسب ازدواج دختران به اندازه ۰/۰۵۴ واحد بیشتر از اهل سنت است. در مورد تاثیر متغیر وضع شغلی بر سن مناسب ازدواج دختران در سال ۱۳۸۳ شاغلین نسبت به غیرشاغلین سن مناسب ازدواج کمتری داشتند، در صورتی که در سال ۱۳۹۴ سن مناسب ازدواج دختران در میان شاغلین بیشتر از غیرشاغلین است. در سال ۱۳۸۳ تفاوت معناداری در سن مناسب ازدواج دختران در بین پاسخگویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین وجود دارد و میانگین سن مناسب ازدواج دختران با پایگاه اقتصادی پایین کمتر از افراد با پایگاه اقتصادی بالاست. در سال ۱۳۹۴ نیز اثرپذیری سن مناسب ازدواج دختران از پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد به گونه‌ای است که با افزایش موقعیت اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان بر سن مناسب ازدواج افزوده می‌شود. نتایج نشان‌دهنده این است که طی یک دهه از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴، تغییراتی در جهت‌گیری‌های نگرشی افراد نسبت به زمان تشکیل خانواده رخ داده است به طوری که اگر در دهه ۸۰ داشتن شغل و موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالا عامل مهمی برای ازدواج و تشکیل خانواده بوده، اما در دهه ۹۰ اولویت‌های دیگری فراتر از شرایط اقتصادی برای فرد مهم شده که منجر به افزایش تمایل به ازدواج در سنین بالاتر شده است.

جدول ۲: مدل تحلیل رگرسیونی ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی سن مناسب ازدواج دختران در

سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

متغیر	۱۳۸۳				۱۳۹۴			
	مدل (۱)		مدل (۲)		مدل (۱)		مدل (۲)	
	Beta	B	Beta	B	Beta	B	Beta	B
جنس	مرد	-۱/۴۶۵ ***	-۰/۱۵۳				۱/۰۴۳***	۰/۱۶۱
	زن(م)							
سن	۲۹ تا ۱۵	-۰/۸۸۶ ***	-۰/۰۹۳				-۰/۸۸۴***	-۰/۱۳۰
	۴۹ تا ۳۰	-۰/۴۵۳ ***	-۰/۰۴۶				-۰/۳۲۵***	-۰/۰۴۹
وضع تاهل	بالای ۵۰(م)							
	مجرد	۰/۴۸۴***	۰/۰۴۸				-۱/۰۰۵***	-۰/۱۳۹
مذهب	متاهل(م)							
	شیعه	۰/۸۷۸***	۰/۰۵۴	۰/۷۳۵***	۰/۰۴۵	۰/۰۹۳	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۵
وضع شغلی	اهل سنت(م)							
	شاغل	-۰/۷۱۴ ***	-۰/۰۷۱	۰/۰۹۴	۰/۰۰۹	۰/۳۶۷***	۰/۰۵۴	-۰/۲۲۴**
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	غیر شاغل(م)							
	پایین	-۰/۴۷۳*	-۰/۰۴۳	-۰/۲۶۰	-۰/۰۲۴	-۰/۶۰۳ ***	-۰/۰۸۰	-۰/۵۵۱***
وضع تحصیلی	متوسط	-۰/۳۲۴	-۰/۰۳۴	-۰/۲۴۱	-۰/۰۲۴	-۰/۴۲۸ ***	-۰/۰۶۴	-۰/۴۴۶***
	بالا(م)							
وضع تحصیلی	بی سواد	-۳/۷۶۸ ***	-۰/۲۸۶	-۴/۰۵۲ ***	-۰/۳۰۸	-۲/۸۶۲ ***	-۰/۲۳۶	-۲/۹۲۶***
	ابتدایی	-۳/۰۹۲ ***	-۰/۲۶۶	-۳/۱۷۱ ***	-۰/۲۷۲	-۲/۱۸۳ ***	-۰/۲۵۹	-۲/۱۵۰***
	متوسطه	-۲/۲۰۳ ***	-۰/۲۰۶	-۱/۹۸۹ ***	-۰/۱۸۶	-۱/۵۵۴ ***	-۰/۱۹۳	-۱/۴۴۳***
	دیپلم	-۱/۱۲۸ ***	-۰/۱۰۰	-۰/۹۹۹ ***	-۰/۰۸۹	-۰/۸۰۹ ***	-۰/۱۰۸	-۰/۷۳۳***
عالی(م)								
مقدار ثابت	۲۲/۲۵۹	۲۳/۱۲۹	۲۲/۵۳۸	۲۳/۵۰۵				
ضریب تعیین	$R^2 = 0.072$	$R^2 = 0.088$	$R^2 = 0.084$	$R^2 = 0.107$				

p-value<0/05* ,p-value<0/01** ,p-value<0/001 ***

سطح تحصیلات در میان متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بالاترین تاثیر را بر سن مناسب ازدواج دختران نسبت به سایر متغیرها داشته است. تمامی سطوح تحصیلی در هر دو مقطع مورد مطالعه سن مناسب ازدواج پایبندی را نسبت به سطح تحصیلات عالی دارند. البته در طی این سال‌ها اندکی افزایش در سن مناسب ازدواج دختران را در مقاطع تحصیلی پایبندی شاهدیم.

در مدل (۲) تاثیر همزمان متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی بر سن مناسب ازدواج دختران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ به ترتیب تحصیلات، جنس، سن، مذهب و وضع تأهل بالاترین تاثیر و تفاوت را در میانگین سن مناسب ازدواج دختران داشته‌اند. وضع شغلی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی اثر و تفاوت معناداری بر سن مناسب ازدواج دختران نداشته‌اند. در سال ۱۳۹۴ به ترتیب تحصیلات، جنس، وضع تأهل، سن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وضع شغلی بیشترین تاثیر را بر سن مناسب ازدواج دختران داشته و مذهب اثری بر سن مناسب ازدواج دختران ندارد.

تاثیر همزمان متغیرها در مدل (۲) در سال ۱۳۸۳ تقریباً ۹ درصد و در سال ۱۳۹۴ تقریباً ۱۱ درصد از تغییرات سن مناسب ازدواج دختران را تبیین می‌کند.

جدول ۳: مدل تحلیل رگرسیونی ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی سن مناسب ازدواج پسران در

سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

متغیر	۱۳۸۳		۱۳۹۴	
	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۱)	مدل (۲)
	Beta	B	Beta	B
جنس مرد زن(م)	-۱/۳۸۴	***	-۰/۱۴۳	***
سن ۱۵ تا ۲۹ ۳۰ تا ۴۹ بالای ۵۰(م)	-۰/۷۲۳	***	-۰/۰۷۵	***
وضع تأهل مجرد متأهل(م)	-۰/۰۲۶	***	-۰/۰۱۷	***

ادامه جدول ۳: مدل تحلیل رگرسیونی ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی سن مناسب ازدواج
پسران در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴

متغیر	۱۳۸۳				۱۳۹۴			
	مدل (۱)		مدل (۲)		مدل (۱)		مدل (۲)	
	Beta	B	Beta	B	Beta	B	Beta	B
مذهب								
شیعه	۰/۹۰۸***		۰/۰۵۵	۰/۷۶۴***	۰/۰۴۶	-۰/۱۳۶۸***	-۰/۰۳۲	-۰/۰۲۶
اهل سنت (م)								
وضع								
شاغل	-۰/۷۱۹***		-۰/۰۴۱	۰/۲۵۱	۰/۰۲۵	۰/۱۶۸***	۰/۰۲۴	-۰/۰۳۴
شغلی								
غیرشاغل (م)								
پایگاه								
پایین	-۰/۲۳۲		-۰/۰۲۱	-۰/۱۳۰	-۰/۰۱۲	-۰/۰۶۷۳***	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۱
اقتصادی-اجتماعی								
متوسط	-۰/۱۵۳		-۰/۰۱۵	-۰/۰۷۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۵۵۵***	-۰/۰۷۸	-۰/۰۸۱
بالا (م)								
بی سواد	-۳/۲۰۷***		-۰/۲۴۰	-۳/۶۳۶***	-۰/۲۷۲	-۲/۴۵۸***	-۰/۱۹۷	-۰/۱۹۶
وضع تحصیلی								
ابتدایی	-۲/۷۸۵***		-۰/۲۳۶	-۲/۹۷۷***	-۰/۲۵۲	-۲/۰۰۲***	-۰/۲۳۱	-۰/۲۳۵
متوسطه	-۲/۰۳۹***		-۰/۱۸۸	-۱/۸۱۶***	-۰/۱۶۷	-۱/۳۴۶***	-۰/۱۶۲	-۰/۱۶۰
دبلیوم عالی (م)								
دبلیوم	-۰/۹۰۰***		-۰/۰۹۷	-۰/۷۶۴***	-۰/۰۶۷	-۰/۰۶۱۲***	-۰/۰۸۰	-۰/۰۷۸
مقدار ثابت	۲۶/۱۳۷		۲۷/۱۳۵	۲۷/۰۹۳	۲۷/۷۶۶			
ضریب تعیین	$R^2 = 0.055$		$R^2 = 0.071$	$R^2 = 0.067$	$R^2 = 0.082$			

*** p-value<0/001 ** p-value<0/01 * p-value<0/05

جدول ۳ به بررسی تاثیر متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی بر سن مناسب ازدواج پسران در دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ می‌پردازد. مدل (۱) با بررسی اثر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر سن مناسب ازدواج پسران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ بالاترین تاثیر به ترتیب متعلق به تحصیلات، مذهب و وضع شغلی بوده و پایگاه اقتصادی-اجتماعی اثر معناداری بر سن مناسب ازدواج پسران نداشته، اما در سال ۱۳۹۴ متغیرهای تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی،

مذهب و وضع شغلی به ترتیب اولویت بالاترین تاثیر را داشته‌اند. در سال ۱۳۸۳ با کنترل سایر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی، پاسخگویان شیعه به اندازه ۰/۰۵۵ واحد سن مناسب ازدواج پسران بالاتری نسبت به اهل سنت داشته‌اند و در سال ۱۳۹۴ افراد شیعه به اندازه ۰/۰۳۲ واحد کاهش نسبت به اهل سنت نشان داده‌اند.

در سال ۱۳۸۳ شاغلین نسبت به غیرشاغلین کاهش در سن مناسب ازدواج پسران داشته‌اند، در حالی که در سال ۱۳۹۴ این رابطه معکوس بوده و شاغلین سن مناسب ازدواج پسران را بالاتر از غیرشاغلین نشان دادند. همچنین در سال ۱۳۸۳ پایگاه اقتصادی-اجتماعی اثر و تفاوت معناداری بر سن ازدواج پسران نداشت، در صورتی که در سال ۱۳۹۴ افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین و متوسط به ترتیب ۰/۰۸۶ و ۰/۰۷۸ واحد سن ازدواج مناسب پسران را کمتر از پاسخگویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا دارند. تحصیلات در هر دو مقطع مورد مطالعه تغییری اثرگذار بر سن مناسب ازدواج پسران است و با افزایش سطح تحصیلات، سن ازدواج پسران افزایش یافته است.

در مدل (۲) اثر همزمان متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی بر سن مناسب ازدواج پسران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ دو متغیر وضع شغلی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی اثری بر سن مناسب ازدواج پسران ندارند و متغیر تحصیلات، جنس، مذهب و سن به ترتیب بالاترین اثر را بر سن مناسب ازدواج پسران دارند. اما در سال ۱۳۹۴ تمامی متغیرها اثر معناداری بر سن مناسب ازدواج پسران دارند و به ترتیب تحصیلات، جنس، سن، وضع تأهل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مذهب و وضع شغلی بالاترین اثرگذاری را داشته‌اند. متغیرهای موجود در سال ۱۳۸۳ به اندازه ۷ درصد و در سال ۱۳۹۴ به اندازه ۸ درصد توانسته‌اند سن مناسب ازدواج پسران را تبیین کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ازدواج نهاد مهمی برای فرد و جامعه است؛ برای فرد مهم است زیرا اتفاق مهمی در چرخه زندگی فردی است و اساس اصلی فرایند تشکیل خانواده می‌باشد. ازدواج انتقال به بزرگسالی و

جدایی از والدین را به همراه دارد. نه تنها زمینه‌ای برای فرزندآوری است بلکه یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی باروری است. شروع یک واحد خانوادگی جدید با موقعیت‌های پیچیده است و نقش‌هایی که از اعضای این واحد انتظار می‌رود تا ایفا کنند. برای جامعه، واحدهای ازدواجی منجر به ایجاد واحدهای تولید و مصرف می‌شود که به مبادله کالا و خدمات می‌پردازند (ایکاماری، ۲۰۰۵).

از این رو مطالعات مختلفی به تحقیق و بررسی در حوزه خانواده و ازدواج پرداخته و تعدادی عوامل را شناسایی کرده‌اند که بر زمان ازدواج موثرند. برخی از این عوامل عبارتند از محل سکونت، تحصیلات، اشتغال، پایگاه اقتصادی، مذهب و قومیت. همانگونه که یافته‌ها در تحقیق حاضر نشان می‌دهد سن مناسب ازدواج دختران و پسران طی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ افزایش یافته است که با تغییرات زندگی خانوادگی و افزایش سن ازدواج در نظریه انتقال دوم جمعیتی همخوانی دارد. همچنین افزایش یک ساله طی سال‌های مورد مطالعه در سن مناسب ازدواج دو جنس با تحقیق اورنگرا (۲۰۱۲) که نشان از افزایش حدود ۲ سال در سن ازدواج در دنیا دارد هماهنگ است.

همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴ وضع شغلی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان با کنترل سایر متغیرها بر سن مناسب ازدواج دو جنس اثر دارد. این نتایج تاییدی است بر اثرپذیری ازدواج از شرایط مالی و اجتماعی که برای تشکیل خانواده لازم است. همچنین نتایج با اثر اشتغال بر سن ازدواج که در تحقیق محمودیانی‌گیلان (۱۳۹۲) و زانگیر و دیگران (۲۰۰۸) تایید شده بود، همخوانی دارد. در تحقیق حاضر کسانی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالایی داشته‌اند، سن مناسب ازدواج بالاتری را نسبت به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین و متوسط دارند. رابطه میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن ازدواج که توسط محمودیانی (۱۳۹۲) و همیلتون و سیون (۲۰۰۷) مورد تایید بود با داده‌های سال ۱۳۸۳ همخوانی نداشته، اما در سال ۱۳۹۴ مورد تایید است. تفاوت اثرگذاری وضعیت شغلی و اقتصادی بر سن ازدواج در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ نیازمند بررسی‌های دقیقتری است. اما طبق نظریه اجتناب از مخاطرات

می‌توان این تفاوت را به مخاطره‌آمیز شدن کمتر ازدواج در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۹۴ نسبت داد که شرایط اقتصادی-اجتماعی در سال‌های اخیر منجر به این شده که ازدواج و تشکیل خانواده مخاطراتی را برای فرد به همراه داشته باشد و برای اجتناب از مخاطرات ناشی از ازدواج، تشکیل خانواده در سنین بالاتری مطلوبیت داشته باشد. لذا متغیرهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴ اهمیت یافته و بر تغییرات سن ازدواج دو جنس موثرترند.

براساس یافته‌های تحقیق تحصیلات عامل کلیدی در اثرگذاری بر سن مناسب ازدواج دو جنس می‌باشد. تحصیلات متغیر اصلی در تغییر رفتارهای خانوادگی است. وضعیت سن مناسب ازدواج دو جنس با توجه به سطح تحصیلی نشان می‌دهد که در هر دو مقطع مورد مطالعه با افزایش سطح تحصیلات بر سن مناسب ازدواج افزوده شده است. بالاترین سن مناسب ازدواج در هر دو مقطع مربوط به تحصیلات عالی و کمترین مربوط به بی‌سوادان است. همانطور که جی‌جی‌بوی (۱۹۹۵)، تورنتون (۲۰۰۶) و فومن (۲۰۱۱) به رابطه قوی تحصیلات و سن ازدواج اشاره کرده‌اند. از این رو توجه به تغییرات نهادی در رابطه با تحصیلات در توضیح رفتارهای خانوادگی بسیار اساسی است.

نتایج و یافته‌های تحقیق نشان از افزایش میانگین سن مناسب ازدواج دختران و پسران طی دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ دارد. و از آنجایی که ازدواج مولفه اصلی در انتقالات باروری است، لذا تحقق سیاست‌های باروری و فرزندآوری خانوارها و زوجین مستلزم توجه و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی برای امکان‌پذیری ازدواج است تا فرزندآوری را نیز تسهیل کند. لذا پیشنهاد می‌شود برای تغییر رویکرد افراد نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در حوزه سیاست‌گذاری کلان، وضعیت اشتغال جوانان بالاخص اشتغال افراد با تحصیلات عالی مورد توجه قرار گیرد. در حوزه سیاست‌گذاری فردی، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای تغییر جهت‌گیری‌های نگرشی نسبت به ازدواج فراهم آورد. همچنین تحقیق حاضر بر انجام پژوهش‌هایی با رویکرد سیستمی در این حوزه مطالعاتی تاکید دارد.

منابع

- انتظاری اردشیر، احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۶). "عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۸، شماره ۳۳، ۲۳۹-۲۰۶.
- آزاد ارمکی تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران، انتشارات سمت.
- حسینی حاتم، رسول صادقی اردشیر رضایی (۱۳۹۸). "عوامل موثر بر تاخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران". *توسعه محلی*، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۷۲-۱۴۷.
- خلیج آبادی فراهانی فریده، علی رحیمی (۱۳۹۶). "تعیین‌کننده‌های سن اولین ازدواج در ده کشور منتخب آسیا و اقیانوسیه: یک مرور نظام‌مند". *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۵، شماره ۲، ۳۳۶-۲۹۹.
- سرایی حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲). "مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۵، شماره ۴، ص: ۱۹-۴۲.
- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۶). "تاثیر محل زندگی (شهر/روستا) بر زمان ازدواج زنان در ایران". *روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲، ۸۵-۶۳.
- کتعی، محمدامین (۱۳۸۵). "پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج، نمونه ایرانیان ترکمن". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱، شماره ۱، ۱۲۶-۱۰۴.
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، (ترجمه حسین محمودیان)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین، فاطمه ترابی و سراج الدین محمودیانی (۱۳۹۲). "تفاوت‌های جنسی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج افراد در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۱۸، ۲۲-۵.
- محمودیانی گیلان، سراج الدین (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی الگوهای ازدواج در بین زنان و مردان در شهر کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.

- میرزایی محمد و فرزاد قربانی (۱۳۹۴). "جهت‌گیری ارزشی مادی گرایانه- فرامادی گرایانه و زمان بندی ازدواج (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)". *نامه*

انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ۷۱-۵۰.

- Audinarayana N. & R. Rajasree. (1995). "Cultural determinants of age at marriage: an urban experience", *Journal of Family Welfare*, 41(1):8-14.
- Bates LM, Maselko J, Schuler SR (2007). "Women's education and the timing of marriage and childbearing in the next generation: evidence from rural Bangladesh". *Studies in Family Planning*, 38(2): 101-112.
- Beck, U. (1999), *World Risk Society*, Malden Mass: Polity Press.
- Bernardi, L., Klarner, A., and H. von der Lippe (2008), "Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany", *European Journal of Population*, 24: 287-313.
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., and S. Prati (2013), "Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child", *Population Research and Policy Review*, 32(3): 373-413.
- Foreman, P. J. (2011), "The Western European marriage pattern and economic development", *Explorations in Economic History*, 48: 292-309.
- Fukuda. N. (2016). Marriage and Fertility behavior in Japan. Chapter 2: Economic and Ideational theories of marriage and fertility behavior. Springer.
- Hamilton, G and Siow, A. (2007). Class, Gender and Marriage, *Review of Economic Dynamics*, 10: 549-575.
- Heard, G. (2011). "Socioeconomic Marriage Differentials in Australia and New Zealand", *Population and Development Review*, 37(1): 125-160.
- Hewitt, B. & J. Baxter (2009). "Who Gets Married in Australia? The economic and social determinants of a transition into first marriage 2001-2006", The Australian Sociological Association Annual Conference, Canberra ACT Australia: The Australian Sociological Association. [Http://iussp2009.princeton.edu/papers/93360](http://iussp2009.princeton.edu/papers/93360).
- Ikamari LDE (2005). "The effect of education on the timing of marriage in Kenya". *Demography Research*, 12(1): 1-28.
- Jayakody R. A. Thornton and W. Axinn (2007), *International Family Change: Ideational Perspectives*. New York: Taylor and Francis Group, LLC.
- Jejeebhoy SJ (1995). *Women's Education, Autonomy, and Reproductive Behavior: Experience from Developing Countries*. Oxford: Clarendon Press.
- Kaneko, R. (2003). "On Changing Factors of Marriage Transformation in Japan: A Decomposition of Delay in Women's First Marriage Process", Revised version of a preliminary report of the study as of 11/2/2003 for submission to the annual meeting of the population Association of America.
- Lesthaeghe, R. (2010) "The Unfolding Story of the Second Demographic Transition", *Population and Development Review*, 36(2): 211-251.
- McDonald, P. (1996), "Demographic Life Transitions: An Alternative Theoretical Paradigm", *Health Transition Review*, Supplement 6: 385-392.

- Ortega J. A. (2012). "Characterization of World Union Patterns at the National and Regional level", *IUSSP Seminar on First Union Pattern around the World*, Spain, 20-22.
- Palamuleni Martin. E. (2011). *Socioeconomic determinants of age at marriage in Malawi*, Population Unit, North West University.
- Quisumbing AR, Hallman K (2003). "Marriage in transition: Evidence on age, education, and assets from six developing countries". Policy Research Population Council. Working paper, P. 183.
- Retherford, R. D.; N. Ogawa & R. Matsukura (2001). "Late Marriage and Less Marriage in Japan", *Population and Development Review*, 27(1): 65-102.
- Sheela, J. & N. Audinarayana (2003). "Mate selection and female age at marriage: a micro level investigation in Tamil Nadu, India", *Journal of Comparative Family Studies*, 34(4): 497-508.
- Sobotka, T., Skirbekk, V., and D. Philipov (2010), "Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review", European Commission, Directorate-General "Employment, Social Affairs and Equal Opportunities", Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.
- Solsona Pairo Montserrat. (1997). "Second Demographic Transition from a Gender Perspective: The Case of Catalonia," *Women and Families: Evolution of the Status of Women as Factor and Consequence of Changes in Family Dynamics*, Maria Eugenia COSIO-ZAVALA (ed), Paris, CICRED, 171-190.
- Thornton, A. (2006), "The Influence of developmental Idealism on marriage: Evidence from Nepal" Population Studies Centre, University Of Michigan: Ann Arbor, Michigan, 48106, <http://developmentaliidealism.org>.
- Torabi, F. & A. Baschieri (2010). "Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: The role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development", *Demographic Research*, 22: 29-62.
- Van de Kaa, D.J. (1987). "Europe's second demographic transition", *Population Bulletin*, 42(1).
- Westoff CF (2003). "Trends in marriage and early childbearing in developing countries Demographic and Health Surveys (DHS)". Calverton MD: Macro International Inc. Comparative Reports p. 5.
- Zahngir, M.S. & Karim, M.A & Zaman, M.R & Hussain, M.I (2008) "Determinats of Age at First Marriage of Rural Woman in Bangladesh: A Cohort Analysis" *Trends in Applied Science Research*, 3: 335- 343.

Original Research Article ■

Changes in the Ideal Age at Marriage in Iran and its Determinants between 2004 and 2015

Zahra Ghorbani¹, Fatemeh Torabi²

Abstract The age at marriage is an important factor in population dynamics that affects fertility, mortality and migration. Therefore, the present article studies changes in the pattern of the ideal age at marriage of girls and boys based on their demographic and socio-economic characteristics. The data have been drawn from the 2004 National Survey of Iranian Cultural Changes and the 2015 National Survey of Iranian Values and Attitudes. The findings show that the average age at marriage of girls and boys has increased by almost one year during this period. The average ideal age at marriage of girls has increased from 20.3 years in 2004 to 21.2 years in 2015 and the average ideal age at marriage of boys has increased from 24.8 years in 2004 to 25.7 years in 2015. The role of different variables have changed over the years but education has always been a key and effective factor in explaining the variation in the ideal age at marriage of both sexes compared to other variables. Job status and socio-economic status did not have an effect in 2004 but they were effective in 2015. Considering the importance of education and employment in the attitude towards marriage in recent years, we need to formulate supportive policies in these two areas in order to change the formation of family and facilitate marriage.

Keywords Ideal age at marriage, level of education, socio-economic status, family, Iran

Received: 2020.09.09

Accepted: 2022.03.06

1 Assistant Professor of Sociology, University of Arak (Corresponding Author),
z-ghorbani@araku.ac.ir

2 Associate Professor of Demography, University of Tehran, fatemeh_torabi@ut.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.136091.1161>